

# بیت کوین چه طور پول است؟

آله بیا<sup>۱</sup>



ترجمه‌ی خسرو آقایی



<sup>۱</sup> مدرس اقتصاد و فلسفه در مدرسه‌ی کسب و کار کپنهاگ

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

آله بیا، اهل دانمارک و نویسنده‌ی کتاب‌های «درآوردن پول: فلسفه‌ی سرمایه‌داری بحران» (۲۰۱۴) و «پوکر: پارودی سرمایه‌داری» (۲۰۱۱)، «پارالکس رشد: فلسفه اکولوژی و اقتصاد» (۲۰۱۶) و «معنای مرد بودن» (۲۰۲۰) است. او کتاب‌های دیگری نیز به زبان دانمارکی دارد.

\*\*\*

### چکیده

بیت‌کوین یک سیستم پرداخت الکترونیکی همتا-به-همتا است که همچون یک ارز مستقل عمل می‌کند. مقاله‌ی حاضر کنکاشی است فلسفی در خصوص سرشت هستی‌شناختی بیت‌کوین. در این مقاله با استفاده از سه‌گانه هستی‌شناختی اسلاووی ژبژک، واقعی، نمادین و خیالی، سه نظریه‌ی سنخ-آرمانی پول را از یکدیگر تمیز می‌دهیم: نظریه‌ی کالایی، نظریه‌ی حکمی (فیات)، و نظریه‌ی اعتباری. با مقایسه‌ی بیت‌کوین با هر یک از این سنخ‌های آرمانی، سرشت این ارز را مورد تحلیل قرار می‌دهیم. بحث خواهیم کرد که بیت‌کوین پول کالایی بدون طلا، پول حکمی بدون دولت، و پول اعتباری بدون بدهی است. در خاتمه، این ایده مطرح می‌شود که بیت‌کوین شکل‌های متعارف پول را با چالشی ایدئولوژیک مواجه می‌کند چرا که نه تنها باورهایی را که راجع به پول از دیرباز در اذهان جاخوش کرده است آشفته می‌سازد بلکه همچنین آن شکل‌هایی از استثمار، ریسک و حتی خشونت را که ذاتی سیستم کنونی پول اعتباری به مرجعیت دولت هستند فاش می‌کند.

### واژگان کلیدی

بیت‌کوین، اعتبار، فیات، طلا، پول، ژبژک

\*\*\*

نشریه‌ی فوربس، ۲۰۱۳ را «سال بیت‌کوین» نام نهاد (کریستینسن، ۲۰۱۳)، سالی که بیت‌کوین، که پیش‌تر صرفاً یک پدیده‌ی خرده‌فرهنگی بود، نقل محافل شد. می‌توان

از افزایش نرخ برابری این ارز با پول‌های متعارف‌تر، به محبوبیت فزاینده‌ی آن پی برد، هرچند که این افزایش نرخ، خود پیش‌برنده‌ی محبوبیت بیت‌کوین نیز بوده است. سرمایه‌گذاری که در روز اول ژانویه‌ی ۲۰۱۳، ۱۰ بیت‌کوین به نرخ ۱۳ دلار خریده بود می‌توانست در انتهای آن سال ۷۰۰۰ دلار کاسب شود. تاکنون اوج قیمت بیت‌کوین در دسامبر ۲۰۱۳ بوده است (۱۲۴۲ دلار). در زمان نوشتن این مقاله<sup>۲</sup> قیمت آن فروکش کرده و به ۲۵۰ دلار رسیده است. کاربردپذیری این ارز نیز سریعاً افزایش یافته است و امروزه می‌توان گستره‌ی متنوعی از کالاها و خدمات، از وسایل الکترونیکی و سخت‌افزار رایانه گرفته تا غذای رستوران، خدمات حقوقی و حتی شهریه‌ی دانشگاه را با بیت‌کوین پرداخت. آینده‌ی بیت‌کوین هنوز بسیار نامطمئن است. هواداران بر این باورند که بیت‌کوین به سیستم پرداخت آینده بدل خواهد شد حال آن‌که منتقدان می‌گویند که چیزی نیست جز یک طرح پونزی که به‌زودی فرو خواهد پاشید (روزنبوم، ۲۰۱۴؛ تروگمن، ۲۰۱۴).

نگارنده صلاحیت اظهارنظر در این خصوص را ندارد که آیا هنوز هم می‌توان با سرمایه‌گذاری در بیت‌کوین سودی کسب کرد یا نه اما گزاره‌ی اساسی مقاله‌ی حاضر این است که درگیری فکری با این ارز مطمئناً ارزش فلسفی فراوانی نصیب خواهد کرد. به نظر می‌رسد که ما نه فقط در زمانه‌ی آشفتگی‌های مالی بلکه در زمانه‌ی آشفتگی‌های پولی به‌سر می‌بریم. مارتین هایدگر زمانی گفته بود که چیزها فقط زمانی که می‌شکنند و از کار می‌افتند است که خود را می‌نمایند و به چشم می‌آیند، و تازه آن‌وقت است که واقعاً شروع به تأمل در هستی آنها می‌کنیم (۱۹۲۷، پاراگراف ۱۶). امروز نظام پولی ما، اگر نتوان گفت که یکسره از کار افتاده است و معیوب شده، دست‌کم به روال معمول کار نمی‌کند. این موقعیت حقیقتاً مجموعه‌ای از ناامنی‌ها و اثرات شوم اقتصادی را سبب شده اما در عین حال باب یک فرصت فلسفی را برای اندیشیدن و نوشتن درباره‌ی خود ماهیت و هستی پول گشوده است. در ادامه قصد داریم که از بیت‌کوین به‌مثابه راهی برای تأمل در ماهیت پول استفاده کنیم. پرسشی که در عنوان این مقاله آمده است،

<sup>۲</sup> ۲۰۱۵. جز پانویس ۶ بقیه از مترجم هستند.

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

چهارچوب آن را مشخص می‌کند: بیت‌کوین چطور پول است؟ در پرداختن به این پرسش دو هدف را مد نظر داریم:

۱. فراهم آوردن توضیح و شرحی فلسفی از سرشت هستی‌شناختی<sup>۳</sup> بیت‌کوین، و
۲. به پرسش گرفتن سرشت پول متعارف از طریق مقایسه‌ی آن با بیت‌کوین.

## (چه‌طور) بیت‌کوین پول است؟

یک طریق سراسر است پرداختن به بیت‌کوین احتمالاً این بوده که با ارائه‌ی تعریفی از پول آغاز کرده و بعد ببینند که بیت‌کوین چطور با این تعریف جور در می‌آید. گزارش اخیر «بانک انگلیس» درباره‌ی ارزش‌های دیجیتالی دقیقاً چنین ساختاری دارد:

«از نظرگاه نظریه‌ی اقتصادی، این که یک ارز دیجیتال را بتوان پول محسوب کرد یا نه به این بستگی دارد که تا چه اندازه به مثابه‌ی یک ذخیره‌ی ارزش، یک واسطه مبادله و یک واحد حسابداری عمل می‌کند» (علی و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۷۶)

چنین تحلیلی از بیت‌کوین البته می‌تواند به کار مقصود نخست مقاله‌ی ما بیاید، اما جایی برای مقصود دوم ندارد چرا که تعریف متعارف از پول و همچنین فرم‌های متعارف پول را مفروض می‌گیرد. ما برخلاف یک «نظرگاه نظریه‌ی اقتصادی» این‌چنینی، رویکردی فلسفی را پی می‌گیریم که مبتنی بر این فرضیه‌ی مقدم<sup>۴</sup> است: بنیان هستی‌شناختی پول ذاتا چنان است که نمی‌توان درخصوص آن به یک نتیجه‌گیری نهایی رسید. نگرش ما همراه است با موضعی که گریبر<sup>۵</sup> مؤکداً صورت‌بندی کرده است: «پول فاقد جوهر است. "واقعاً" چیزی نیست؛ و بنابراین ماهیت آن همواره موضوع ستیزه‌ورزی سیاسی بوده است و از قرار معلوم همیشه هم چنین خواهد بود» (گریبر، ۲۰۱۱: ۳۷۲). چنان‌که اینگهام نشان داده است، «جریان اصلی یا ارتدوکس سنت اقتصاد مدرن اهمیت نظری چندانی برای پول قائل نیست» (اینگهام،

<sup>۳</sup> ontological constitution

<sup>۴</sup> premise

<sup>۵</sup> David Graeber، انسان‌شناس و آنارشویست آمریکایی

۲۰۰۴: ۷). از این رو تعجیبی هم ندارد که رویکرد «بانک بریتانیا» به بیت‌کوین، تمام و کمال بازتاب‌دهنده‌ی چنین تفکر ارتدوکسی باشد. ذیل این نگرش، ماهیت پول، اگر نگوییم اصلاً، به ندرت به پرسش گرفته می‌شود. به همین خاطر است که با طرح سؤال «بیت‌کوین چه‌طور پول است؟» تعمداً از این سؤال بس واضح‌تر که «آیا بیت‌کوین پول است؟» طفره رفته‌ایم چرا که این طفره‌روی به ما امکان می‌دهد تا به کنکاش در بیت‌کوین بپردازیم، بی آن‌که پیش‌تر خود را به این یا آن نظریه‌ی مشخص پول متعهد کرده باشیم.

ما در تحلیل‌مان از بیت‌کوین تمایزی را که ژیزک میان سه ساحت هستی‌شناختی واقعی، نمادین و خیالین قائل شده است اعمال می‌کنیم؛ این منشوری است که از خلال آن ابعاد متفاوت سیستم پول به معاینه گذاشته می‌شود.<sup>۶</sup> تا آن‌جا که ماهیت پول در حوزه‌ی اقتصاد اصلاً به بحث گذاشته می‌شود می‌توان سه نظریه‌ی عام را در خصوص خاستگاه و سرشت پول از یکدیگر تمیز داد: نظریه‌ی کالایی، نظریه‌ی چارتالیستی،<sup>۷</sup> و نظریه‌ی اعتباری پول. ادعای چالش‌برانگیز ما این است که هیچ‌یک از این نظریه‌ها قادر نیستند توضیحی منسجم و فراگیر از ماهیت پول فراهم کنند، و در عین حال هر یک بُعدی از کارکرد پول را در خود ضبط کرده است. در ادامه به ترتیب از نظریه‌ی کالایی پول، نظریه‌ی حکمی پول و نظریه‌ی اعتباری پول به عنوان سنخ‌های آرمانی<sup>۸</sup> و برای پرده‌برداری از سرشت هستی‌شناختی بیت‌کوین به مثابه پول استفاده خواهیم کرد. اما پیش از ورود به این تحلیل سه‌مرحله‌ای می‌بایست به سازوکار سیستم بیت‌کوین نگاهی بیندازیم.

<sup>۶</sup> این تحلیل از پول، در کتاب «ساختن پول – فلسفه‌ی سرمایه‌داری بحران» (بیا، ۲۰۱۴) مبسوط‌تر انجام گرفته است.

Chartal v، یا نظریه‌ی حکمی (fiat)

<sup>۸</sup> Ideal types

## بیت کوین چه گونه کار می کند؟

بیت کوین یک شبکه‌ی مجازی است که به کاربران امکان می‌دهد تا سکه‌های دیجیتال را به یکدیگر انتقال دهند. هر بیت کوین شامل یک زنجیره‌ی منحصربه‌فرد از امضاهای دیجیتال است که در یک کیف پول دیجیتال که در رایانه‌ی کاربر نصب است ذخیره شده‌اند. انتقال بیت کوین اینگونه انجام می‌گیرد که مالک کنونی سکه با استفاده از یک کلید دیجیتال خصوصی، تأیید می‌کند که کلید فرد دریافت‌کننده به زنجیره‌ای از تراکنش‌های پیشین اضافه شود. به این ترتیب سکه انتقال می‌یابد و حال، به همراه پیشینه‌ای ثبت شده از تراکنش‌ها، از جمله تراکنشی که هم‌اکنون به انجام رسیده است، در کیف فرد دریافت‌کننده پدیدار می‌شود.

از آنجا که اشیای فیزیکی در هر زمان فقط در یک مکان می‌توانند حضور داشته باشند، یک سکه‌ی فیزیکی نیز نمی‌تواند همزمان در دو یا چند تراکنش مجزا خرج شود. همین که سکه در دست دریافت‌کننده جای گرفت پرداخت‌کننده دیگر نمی‌تواند همان سکه را در جایی دیگر خرج کند. اما یک خصوصیت بنیادین موجودیت‌های دیجیتال این است که آنها را به آسانی می‌توان کپی و تکثیر کرد و به عبارت دیگر، موجودیت‌های دیجیتال می‌توانند همزمان در چندین جا باشند. به همین خاطر ارزهای دیجیتال با مساله‌ی دوبار-خرج کردن<sup>۹</sup> مواجهند.

اما چیزی که بیت کوین را از اساس از سیستم‌های متعارف پرداخت الکترونیک متفاوت می‌سازد و باعث می‌شود که به میزان چشمگیری موفق‌تر از اسلاف مشابه خود عمل کند، راه‌حل بدیعی است که برای این مساله‌ی دوبار-خرج کردن پیش می‌نهد (باربر و دیگران، ۲۰۱۲). بیت کوین، به جای آن که درستی‌سنجی را با برنهادن یک مرجع<sup>۱۰</sup> مرکزی به انجام برساند، به شکل یک شبکه‌ی همتا-به-همتا سازمان یافته است. راه‌حل بیت کوین برای مساله‌ی دوبار-خرج کردن، به طور خلاصه این است که یک پیشینه‌ی کامل از تمام تراکنش‌های تحت شبکه نگهداری می‌کند که همگان به

<sup>۹</sup> double-spending

آن دسترسی دارند. ساتوشی ناکاموتو،<sup>۱۱</sup> بنیان‌گذار بیت‌کوین که هویت‌اش در حاله‌ای از رمز و راز است، درباره‌ی مسأله‌ی دوبار-خرج کردن و راه‌حل آن چنین می‌گوید:

«دریافت‌کننده باید به طریقی مطمئن شود که مالکین قبلی پیش از وی با افراد دیگری وارد تراکنش نشده باشند. برای ما این‌جا تراکنش نخست است که اهمیت دارد و کاری به کسانی که ممکن است بعداً مبادرت به دوبار-خرج کردن کنند نداریم. تنها راه برای تأیید نبود یک تراکنش این است که از همه تراکنش‌ها مطلع باشیم. در مدل مبتنی بر مینت،<sup>۱۲</sup> مینت از همه‌ی تراکنش‌ها مطلع بود و این که کدام‌یک زودتر رسیده است را معلوم می‌کرد. برای این که این کار بتواند بدون وجود یک طرف ثالث معتمد انجام گیرد لازم است که تراکنش‌ها به اطلاع عموم رسانده شوند ... و به سیستمی نیاز داریم که از طریق آن مشارکت‌کنندگان بر سر یک پیشینه‌ی واحد از ترتیب دریافت تراکنش‌ها توافق کنند.» (ناکاموتو، ۲۰۰۸: ۲)

یک تراکنش بیت‌کوین، به همراه یک مُهر زمان، توسط شبکه به ثبت می‌رسد. این تراکنش به همراه سایر تراکنش‌ها در یک دسته جای می‌گیرد و به اصطلاح یک بلاک<sup>۱۳</sup> را شکل می‌دهد. بلاک توسط کاربرانی که توان پردازشی رایانه‌های شخصی‌شان را در اختیار شبکه قرار داده‌اند پردازش می‌شود. به دلایلی که بعداً توضیح خواهیم داد، کاربران مختلف بر سر این که کدام یک می‌توانند بلاک را سریع‌تر پردازش کنند با یکدیگر رقابت می‌کنند. پس از آن که یک بلاک از تراکنش‌ها پردازش شده و درستی‌اش تأیید شد، به واسطه‌ی عملیاتی که آن را به بلاک قبلی متصل می‌کند مهر و موم می‌شود و به این ترتیب به به اصطلاح بلاک‌چین<sup>۱۴</sup> اضافه می‌گردد. بلاک‌چین، متشکل از کل تاریخچه‌ی پرداخت‌های تحت سیستم است و تراکنش‌های جدید، برای اطمینان از این که دوبار-خرج کردن در آنها رخ نداده باشد، در نسبت با بلاک‌چین واری می‌شوند. بلاک‌چین یک دفترکل عمومی است که تراکنش‌ها و ترازها در آن ثبت‌اند.

---

۱۱ satoshi nakamoto

۱۲ mint

۱۳ block

۱۴ block chain

یک ویژگی بسیار مهم هر سیستم پولی، چگونگی ورود پول جدید به اقتصاد تحت آن سیستم است. بیت‌کوین کارکرد خلق پول را ترکیب کرده است با ارائه مشوق‌هایی به کاربران برای مشارکت در نگهداشت سیستم:

«بنا بر قرار، نخستین تراکنش در یک بلاک، تراکنش خاصی است که یک سکه‌ی جدید را که در تملکِ خالق بلاک است استارت می‌زند. این مشوقی می‌شود برای گره‌ها تا از شبکه پشتیبانی کنند، و از آنجا که هیچ مرجع مرکزی‌ای برای صدور سکه‌ها وجود ندارد، این راهی می‌شود برای ورود اولیه‌ی سکه‌ها به چرخه. اضافه شدن مستمر مقدار ثابتی سکه‌های جدید مثل این است که یک استخراج‌کننده‌ی طلا، با صرف منابع، طلای بیشتری به چرخه بیفزاید. در مورد بیت‌کوین، منابعی که صرف می‌شوند زمانِ رایانه‌ی شخصی و انرژی برق است.» (ناکاموتو، ۲۰۰۸: ۴)

به این ترتیب می‌بینیم که بیت‌کوین‌های جدید، به‌مثابه پاداش کاربرانی که تراکنش‌های یک بلاک را پردازش و درستی‌سنجی می‌کنند، به چرخه وارد می‌شوند. به این روند، ماینینگ<sup>۱۵</sup> نیز می‌گویند. البته برای برخورداری از پاداش، صرف انجام کار ساده‌ی پردازش و درستی‌سنجی تراکنش‌ها کافی نیست. به منظور تنظیم نرخ خلق بیت‌کوین‌های جدید، سیستم بیت‌کوین از ماینرها<sup>۱۶</sup> می‌خواهد که برای آن‌که بتوانند یک بلاک را مهر و موم کنند، یک پازل رمزنگارانه را حل کنند. این پازل‌ها را فقط از طریق آزمون و خطا می‌توان حل کرد و به‌مرور زمان سطح دشواری آن‌ها نیز مستمراً افزایش می‌یابد تا همپای پیشرفت در توان پردازش رایانه‌های شخصی، آن‌ها نیز دشوارتر شوند. این یعنی آن‌که رایانه‌های ماینرها می‌بایست برای حل یک بلاک، مقدار مشخصی «کار» انجام دهند. به‌طور میانگین هر ۱۰ دقیقه یک بلاک جدید حل می‌شود. تعداد بیت‌کوین‌هایی که به‌عنوان پاداش به‌ازای هر بلاک ارائه می‌شود نیز چنان تنظیم می‌گردد که خلق بیت‌کوین‌های جدید، با پیروی از یک خط‌سیر تانژانتی از پیش‌تعیین‌شده، در سال ۲۱۴۰ که خلق بیت‌کوین جدید متوقف می‌شود به ۲۱

---

۱۵ معدن‌کاوی

۱۶ معدن‌کاوها



میلیون بیت‌کوین برسد. در زمان نوشتن این مقاله در سال ۲۰۱۵، مجموع بیت‌کوین‌های در گردش تقریباً ۱۴ میلیون است. حال به سراغ تحلیل فلسفی این رمزارز می‌رویم.

## استاندارد طلا بدون طلا

«مردان عملگرا، که خود را از هرگونه نفوذ فکری به کلی میرا می‌دانند، اغلب نوکرانِ فلان اقتصاددان درگذشته و از رده خارج هستند» (کینز، ۱۹۳۶: ۳۸۳). آن فهم متعارف و متداول از پول که حتی در میان آکادمیسین‌های جاافتاده نیز غلبه دارد به خوبی در این لطیفه‌ی معروف کینز<sup>۱۷</sup> نمود یافته است، یعنی این تصور که روزی روزگاری پول در هیأت طلا یا فلز باارزش دیگری ظهور یافت، و این که حتی با وجود آن که فرم‌های معاصر پول رسماً از یک پایه‌ی مادی این‌چنینی ارزش منفک شده‌اند هنوز می‌توانیم پول را صرفاً کالایی در میان دیگر کالاهای اقتصاد بینگاریم. معمولاً آدم اسمیت را آن «اقتصاددان درگذشته و از رده خارج» و کسی می‌دانند که مسئولیت نهایی این «نظریه‌ی کالایی پول» با او است، چرا که اسمیت است که افسانه‌ی آن قصاب و می‌فروش و نانواپی را روایت می‌کند که با اختیار کردن فلزات باارزش به عنوان وسیله‌ی مبادله، راهی برای پیشرفت و فرا رفتن از مبادله ساده‌ی کالا به کالا یافتند (اسمیت، ۱۷۷۶: ۲۴-۲۵). اما کارل مارکس و کارل منگر<sup>۱۸</sup> نیز منابع کلیدی این نظریه‌ی کلاسیک پول به شمار می‌آیند، نظریه‌ای که رد نفوذ آن را تا اقتصاد نئوکلاسیک معاصر نیز می‌توان پی گرفت (منگر، ۱۸۹۲؛ برای مروری اجمالی نگاه کنید به اینگهام، ۲۰۰۴: ۱۵-۳۷).

مورخان و انسان‌شناسان خاطرنشان کرده‌اند که نظریه‌ی کالایی روایت و توضیحی ناصحیح از خاستگاه‌های تاریخی پول به دست می‌دهد (هامفری، ۱۹۸۵: ۴۸؛ اینگهام، ۲۰۰۰؛ هادسون، ۲۰۰۴؛ گریبر، ۲۰۱۱: ۲۳). نظریه‌ی کالایی از تشخیص نقشی که

۱۷ Keynes

۱۸ Carl Menger

بیت کوبین چه طور پول است؟

دولت یا یک قدرت حکمروا در مستقر ساختن ارزش<sup>۱۹</sup> به مثابه یک استاندارد انتزاعی حسابداری ایفا می‌کند، و همچنین از فهم روابط میان بدهی و پول ناتوان است (اینگهام، ۲۰۰۴: ۸۹-۱۳۳؛ ۲۰۰۶). البته این انتقاد صرفاً اهمیتی تاریخی‌نگارانه ندارد. از آنجا که نظریه‌ی کالایی پول، صراحتاً یا تلویحاً به اقتصاد نئوکلاسیک معاصر نیز امتداد یافته است، ضعف این نظریه، بالاخص ضعف آن در تشخیص نقشی که بانک‌ها در خلق پول ایفا می‌کنند، به لحاظ نتیجه‌گیری‌های احتمالی حاصل از تحلیل‌هایش، نتایج ضمنی قابل توجه‌ای به همراه دارد (ورنر، ۲۰۰۵؛ کین، ۲۰۱۱؛ هادسون، ۲۰۱۲؛ جکسون و دیسون، ۲۰۱۳).

## ۱۹ Currency

در متن حاضر، پول معادل money و ارزش معادل currency است. عموم انگلیسی‌زبان‌ها، در خارج از گفتمان علم اقتصاد، currency و money را مترادف هم می‌دانند. در زبان فارسی، currency را به ارزش ترجمه می‌کنند اما در اذهان عموم مردم، «ارز» پول خارجی معنا می‌دهد. ناگفته پیداست که ترجمه کردن currency به ارزش در ترجمه‌ی حاضر کم و بیش اسباب زحمت و گیج شدن خواننده است.

وبسایت Investopedia درباره‌ی تمایز و نسبت میان ارزش و پول اینطور نوشته است: «اغلب تصور می‌شود که دو واژه‌ی پول و ارزش یک معنا دارند. اما این دو با آنکه به هم ربط دارند معانی‌شان متفاوت است. پول واژه‌ی فراخ‌گستره‌تری است و به یک سیستم ناملموس (ناتنمند) ارزش ارجاع دارد که مبادله کالاها و خدمات را در زمان حال و آینده امکان‌پذیر می‌سازد. ارزش، در تعریفی ساده، یک شکل ملموس پول است. ... ضرابخانه ایالات متحده آمریکا، ارزش را پولی تعریف می‌کند که به شکل اسکناس و سکه است و به عنوان واسطه مبادله استفاده می‌شود.» وبسایت eduCBA یک تفاوت ارزش و پول را این می‌شمارد که ارزش قانوناً مورد تایید است یعنی همه جا در یک کشور می‌توان از آن به عنوان وسیله پرداخت استفاده کرد. اما پول ماهیتی سوپزکتیو دارد و ممکن است همه‌جا به عنوان واسطه مبادله یا ذخیره ارزش پذیرفته شود یا نشود.

بر مبنای توضیحات فوق، ارزش تلقی کردن رمزارزها و از جمله بیت کوبین، محل تردید است؛ چون نه فقط بیت کوبین به شکل اسکناس یا سکه نیست، بلکه قانوناً مورد تایید یک دولت نیز نیست. نتیجتاً باید توضیحات فوق در شرح تمایز ارزش و پول را نابسند بدانیم و یا ارزش دانستن رمزارزها را استعاری تلقی کنیم. در هر حال، به نظر نمی‌رسد که در ترجمه حاضر، مترادف گرفتن ارزش و پول، به معنای متن چندان خللی وارد کند.

در عین حال شاید نمی‌بایست در کنار گذاشتن نظریه‌ی کلایی پول چندان عجله کنیم. یکی از درس‌هایی که می‌بایست از بحران مالی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ آموخت به رابطه‌ی درهم‌ننیده و بغرنج میان پول و مستغلات مربوط می‌شود (بریان و رافرتی، ۲۰۰۹). در اوج حباب املاک که به بحران منتهی شد، اوراق بهادار،<sup>۲۰</sup> به شکل CDOها<sup>۲۱</sup> که پشتوانه‌شان وثیقه‌ی ملکی<sup>۲۲</sup> بود به‌عنوان دارایی‌هایی با قابلیت نقدشوندگی بالا در بازارهای مالی دست به دست می‌شدند. گفته شده که این قبیل مشتقه‌های مالی<sup>۲۳</sup> به واقع فرمی از پول هستند که برخی از خصوصیات یک استاندارد طلا را از خود نشان می‌دهد (بریان و رافرتی، ۲۰۰۶، ۲۰۱۲). این نکته را می‌توان حتی بیشتر بسط داد و این استدلال را پیش کشید که CDOها واضح فرم جدیدی از پول کلایی هستند که نه با یک استاندارد طلا بلکه با یک استاندارد مستغلات جفت شده است.

فیصله دادن به مباحثه‌ی جاری درباب ماهیت پول و رابطه‌ی میان پول و کالاها، بس فراتر از محدوده‌ی مقاله‌ی حاضر است. به‌واقع انتخاب ژریژک به‌عنوان بنیان نظری این مقاله را شاید بتوان اذعان به این موضوع دانست که ناتوانی در رسیدن به یک نتیجه‌گیری نهایی درخصوص پول یک خصیصه‌ی ذاتی این پدیده است. رویکرد تحلیلی ما به بیت‌کوین، به تقلید از آن جمله لکان که شهرت بدی هم دارد، یعنی «زن وجود ندارد»، متکی به این فرض است که «پول وجود ندارد». صدالبته منظور این نیست که پولی در جهان وجود ندارد بلکه منظور این است که پول فاقد یک ذات فراتاریخی است که آن را مهبیای یک تعریف نظری عام کند. رویکردی این‌چنینی به مطالعه‌ی پول، همچنین همسو است با فراخوان اخیر داد<sup>۲۴</sup> مبنی بر این که «همه‌ی فرم‌های تجربی گوناگون پول را بی آن‌که به دامان یک نام‌باوری<sup>۲۵</sup> دلبخواهانه بیفتیم {بپذیریم}» (داد، ۲۰۱۴: ۶). از این‌رو در ادامه نظریه‌ی کلایی پول را فقط و فقط به سیاق یک سنخ

۲۰ securities

۲۱ تعهد وام تضمین‌شده (collateralized Debt Obligation)

۲۲ mortgage

۲۳ financial derivatives

۲۴ Dodd

۲۵ نومیالیسم (nominalism)

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

آرامانی استفاده می‌کنیم، به این قصد که نگاهی داشته باشیم بر نقش جالب و غیرعادی‌ای که طلا در شکل‌گیری بیت‌کوین دارد.

کاملاً واضح است که نه طلا و نه هیچ فلز باارزش دیگری پشتوانه‌ی ارزش بیت‌کوین نیست. بیت‌کوین یک ارز مجازی است و طبعاً به نظر نمی‌رسد با یک پایه‌ی کالایی که تضمین‌کننده‌ی ارزشش باشد رابطه‌ای داشته باشد. در عین حال، برخی خصوصیات در ترکیب بیت‌کوین هست که باعث می‌شود به آن انگاره از پول که ذاتی نظریه‌ی کالایی است شبیه باشد، و آشکارترین‌شان این که عرضه‌ی بیت‌کوین محدود است. هرچند هیچ حد فیزیکی‌ای بر خلق بیت‌کوین وجود ندارد، خود سیستم را چنان طراحی کرده‌اند که در سال ۲۱۴۰ میلادی که حجم کل بیت‌کوین‌ها به ۲۱ میلیون سکه می‌رسد روند صدور بیت‌کوین‌های جدید را متوقف کند. روند کند و سخت‌درستی‌سنجی تراکنش‌ها و حل کردن پازل‌های رمزنگارانه‌ای که مرتباً دشوار و دشوارتر می‌شوند، برای کسب بیت‌کوین‌های جدید، تقلیدی است از کار سخت استخراج فلزات باارزش از دل زمین: «افزودن مستمر یک مقدار ثابت بیت‌کوین جدید، مشابه است با صرف منابع توسط استخراج‌کنندگان طلا برای افزودن به طلای موجود در چرخه» (ناکاموتو، ۲۰۰۸: ۴). تعجبی ندارد که کاربرانی که به این کار مشغولند را «ماینر»،<sup>۲۶</sup> نرم‌افزارشان را «ماینر بیت‌کوین» و تجهیزات سخت‌افزاری‌شان را «دکل حفاری» می‌گویند. نه فقط سخن‌پردازی‌ها بلکه تصویرسازی‌هایی که حول بیت‌کوین انجام می‌گیرند نیز ارجاعات صریحی به طلا دارد. یک ویدئوی انیمیشن در وبسایت [bitcoin.org](http://bitcoin.org) هست که در آن بیت‌کوین‌ها در هیأت سکه‌های طلا با تیشه‌ی کوچکی از دل صخره‌ای تراشیده می‌شوند. مُرر و همکاران (۲۰۱۳) با جعل مفهوم «فلزگرایی دیجیتال»<sup>۲۷</sup> به‌درستی نشان داده‌اند چطور خود بیت‌کوین این برداشت را که گویی فرمی از پول کالایی است موجب می‌شود.

دیگر این که به نظر می‌رسد بیت‌کوین متکی به یک روبنای ایدئولوژیک است که قویاً متأثر از نقدهای ملهم از مکتب اصالت پول و نقدهای لیبرتارینی بر سیستم پولی

۲۶ معدن‌کاو

متعارف است (کارلشتروم، ۲۰۱۴). ناکاموتو می‌نویسد: «ما سیستمی برای تراکنش‌های الکترونیکی پیش نهاده‌ایم که متکی به اعتماد نیست». فرم‌های متعارف و مرسوم پول، برای کنترل صدور پول جدید و نقل و انتقال بین بانکی و درستی‌سنجی لازم برای انجام تراکنش‌ها، متکی به بانک‌های مرکزی و بانک‌های تجاری هستند. بیت‌کوین، برخلاف آن‌ها، برای انجام این قبیل کارکردها به هیچ مرجع مرکزی‌ای متکی نیست (باربر و دیگران، ۲۰۱۲). در بیت‌کوین، صدور سکه‌های جدید در دل خود رمزگان رایانه‌ای<sup>۲۸</sup> حک شده است و درستی‌سنجی توسط استخراج‌کنندگانی بدون مرکز انجام می‌گیرد که در رقابت با یکدیگرند تا کار را با بیشترین بازدهی به انجام برسانند. ساختار تشویقی بیت‌کوین حتی چنان بنا شده است که متقلبین بالقوه اصولاً در این که توان CPU رایانه‌شان را صرف کمک به نگهداشت سیستم کنند سود بیشتری می‌بینند تا این که تلاش کرده و بخواهند آن را دور بزنند. به عبارت دیگر، رقابت است که سیستم را پاک نگه می‌دارد و نه اعتماد:

«این می‌تواند مشوقِ گره‌ها برای پاکدستی باشد. اگر یک مهاجم طماع قادر باشد توان پردازشی‌ای فراهم کند که از تمام گره‌های پاکدست بیشتر باشد، تازه باید انتخاب کند که می‌خواهد از این توان پردازشی برای کلاهبرداری و سرقت مبالغی که پیش‌تر پرداخت کرده است استفاده کند یا اینکه به عوض این کار، سکه‌های جدید تولید کند. او پیروی از قواعد را سودآورتر خواهد یافت، قواعدی که بر اساس‌شان به‌تنهایی از همه‌ی آن‌های دیگر بیشتر سکه نصیبش شود، تا این که بخواهد سیستم و اعتبار ثروت خودش را تحلیل ببرد». (ناکاموتو، ۲۰۰۸: ۴)

منبع-باز بودن کامل نرم‌افزاری که بنیان سیستم است، خود از ماهیت مرکززدوده‌ی بیت‌کوین نشان دارد (کوستاکیس و گیتیتساس، ۲۰۱۴). این باعث می‌شود که خلق رمزارزهای بدیل مبتنی بر رمزگان رایانه‌ای بیت‌کوین، نسبتاً آسان و کاملاً قانونی باشد. Litecoin، Namecoin و Dogecoin چند نمونه از رمزارزهای رقیب هستند. در این قضیه می‌توان ردپایی از ایده‌ی ملیت‌زدایی پول

بیت کوین چه طور پول است؟

هایک<sup>۲۹</sup> را هم تشخیص داد، یعنی این ایده که کنشگران خصوصی و نه حکومت‌ها، ارزشهایی مستقل صادر کنند و این ارزشها در بازار آزاد با یکدیگر رقابت کنند (هایک، ۱۹۷۶). بنا بر این منطق، این که بتوان رمزارزهای رقیب خلق کرد به تحت کنترل نگه داشتن خود بیت کوین نیز کمک می‌کند؛ به این معنا که اگر بیت کوین نتواند به شیوه‌ای قابل اعتماد، کارآمد و منصفانه به کاربرانش خدمات‌رسانی کند، کاربران به راحتی می‌توانند به سیستم دیگری روی آورند.

از آن‌جا که کارکرد بیت کوین متکی به بانک‌های مرکزی یا خصوصی نیست، این مراجع مرکزی نمی‌توانند از آن سوءاستفاده کنند. طرفداران پشتیبانی پول‌ها توسط یک استاندارد فلزات باارزش، اغلب این استدلال را مطرح می‌کنند که این پشتوانه، با امانت‌دار نگه داشتن سیاستمداران و بانکداران، فراهم‌آورنده‌ی «استواری»<sup>۳۰</sup> است. اما واقعیت این است که بیت کوین همین استواری را به شکلی دیجیتال فراهم می‌کند. هیچ فلز باارزشی زیربنای بیت کوین نیست، با این حال این ارز همچنان یک منبع محدود است. این که سلگین (۲۰۱۵) بیت کوین را یک پول کالایی مصنوعی توصیف می‌کند در جهت تأکید بر همین ویژگی است. همچنین می‌توان گفت که بیت کوین متکی به نوعی استاندارد طلای مجازی است. بیت کوین یک پول طلا بدون طلا است. مشکل سیستم‌های پولی فعلی که ظاهراً با پیوند زدن ارزش پول به طلا (یا سایر فلزات باارزش)، محقق‌کننده‌ی ایده‌های نظریه‌ی کالایی هستند این است که نهایتاً با پارادکس بی‌قیمت بودن<sup>۳۱</sup> طلا مواجه می‌شوند (بیا، ۲۰۱۴: ۹۶-۱۰۰). با بهره جستن از ریژیک می‌توانیم نظریه‌ی کالایی پول را تلاشی بدانیم برای بنیان نهادن ارزش پول در ساحت واقع، از طریق ارجاع به ارزش ذاتی طلا به‌عنوان پشتیبان غایی ارز. می‌بایست

۲۹ Von Hayek

۳۰ soundness

۳۱ Priceless (بی‌قیمت) در زبان انگلیسی هم صفت چیزی است که فراسوی قیمت‌گذاری است، ارزشی برای آن نمی‌توان متصور شد، و می‌شود گفت که فوق‌العاده گران‌بها است، آنقدر که به عدد در نمی‌آید. از سوی دیگر با نگاهی تحت‌اللفظی و با تکیه بر پسوند less می‌توان گفت که به معنای فاقد ارزش است. به واقع فقدان ارزش می‌تواند دو معنای بسیار متقابل داشته باشد.

خاطرنشان کنیم که تعریف ژژیک از امر واقع، سراسر نیست و حتی در نوشته‌های او از جایی به جای دیگر تغییر می‌کند. گاه، امر واقع در یک هستی‌ایجابی در ورای ساحت نمادین‌سازی جای‌یابی می‌شود و او امر واقع را این‌گونه تعریف می‌کند: «آنچه که در برابر نمادین‌سازی ایستادگی می‌کند» و «تخته‌سنگی که هر تلاشی برای نمادین‌سازی به آن که می‌رسد سکندری می‌خورد» (۱۹۸۹: ۶۹، ۱۶۹). و گاه، امر واقع در هستی‌ای سلبی جای‌یابی می‌شود، یعنی صرفاً به‌مثابه یک خلاء یا یک آپوریا که ذاتی سامان نمادین است. ژژیک ابراز می‌دارد که: «سامان نمادین خود ... barré، خط‌خورده بوسیله‌ی یک امتناع بنیادین است، و حول یک هسته‌ی ممتنع/تروماتیک، حول یک فقدان مرکزی، ساخت یافته است» (۱۹۸۹: ۱۲۲). این فقدان، امر واقع است.

این تعریف به‌ظاهر دوپهلوی از امر واقع، خیلی خوب کارکرد طلا را در رابطه با پول نشان می‌دهد. در نگاه نخست، به نظر می‌رسد که طلا، بنیانی برای ارزش ذاتی فراهم می‌آورد که در معرض تورم پولی نیست. و در عین حال، طلا «در مقابل نمادین‌سازی مقاومت می‌کند». اگر طلا آن استناداردی است که هم‌هی کالاهای دیگر در نسبت با آن قیمت‌گذاری می‌شوند، خود طلا را چگونه قیمت‌گذاری می‌کنیم؟ معلوم می‌شود که طلا به هر دو معنای واژه، بی‌قیمت است. حتی می‌توان یک گام دیگر جلوتر رفته و خود ارزش طلا را به پرسش گرفت. شاید ارزش پول کالایی از طلا مشتق نمی‌شود و قضیه برعکس باشد. این که طلا به این اندازه باارزش است به این خاطر نیست که فرم خاصی از ارزش ذاتی را در خود تجسم بخشیده است بلکه به این خاطر است که چنین کارکرد خاصی را در ارتباط با پول به آن اعطا کرده‌اند. طلا در مقام آن «امتناع بنیادین»

---

۳۲ ترجمه این نقل قول دوم از علی بهروزی در کتاب عینیت ایدئولوژی (اسلاوی ژژیک) است. اینجا در معادل‌یابی Impossible و impossibility به ترجمه علی بهروزی تاسی جستم و معادل‌های ممتنع و امتناع را برایشان گذاشتم. اما جلوتر که نویسنده از کتاب گفتگوی ژژیک با گلین دالی نقل می‌کند، عیناً ترجمه مجتبی گل محمدی را برای آن چند سطر آورده‌ام که آنجا impossibility به ناممکن‌بودگی ترجمه شده است. هر دو معادل در جای خود مناسب هستند. ارجاع نخست به ماهیت طلا در سیستم پولی مربوط است، و امتناع طلا از پذیرش چنین نقشی، چنانکه در شکایت از یک فرد لجوج یا بدقلق ممکن است گفته شود he is impossible. ارجاع دوم به رابطه مردم با پول اعتباری در نسبت با پول حکمی مربوط می‌شود و آنجا «ناممکن‌بودگی» بیشتر وافی به مقصود است.

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

و «هسته‌ی تروماتیک» عمل می‌کند که سیستم نمادین پول حول آن ساختار یافته است. آنچه که این فانتزی خیالین را می‌پروراند که فرم خاصی از ارزش، ورای حوزه‌ی معمول ارزش استفاده، در طلا به ودیعه نهاده شده است، همین ناممکن بودن ارائه‌ی یک توضیح بسنده برای ارزش طلا است (بیا، ۲۰۱۴: ۹۷).

همین که ایده‌ی طلا به مثابه تجسد فرمی از ارزش خاص را که ورای حوزه‌ی سامان نمادین پول است، کنار بگذاریم، بر ما آشکار می‌شود که شاید بیت‌کوین، در مقایسه با فرم‌های متعارف پول که مبتنی بر یک استاندارد طلای بالفعل هستند، فرم صادقانه‌تری از پول طلا باشد. بیت‌کوین مبتنی بر همان نوع هستی‌شناسی سلبی‌ای است که در اندیشه‌ی ژیزک می‌بینیم. بیت‌کوین، به‌جای تظاهر به این که سیستم پول حول یک موجودیت ایجابی ساختار یافته است که ارزش کل سامان نمادین را تضمین می‌کند، آشکارا به این که حول یک فقدان محض ساختار یافته است اذعان می‌کند. آنچه باعث می‌شود بیت‌کوین حتی در غیاب طلا همچنان شبیه به پول کالایی باشد، البته آن حدی است که بر مجموع تعداد سکه‌هایی که می‌تواند تا به آخر به چرخه وارد شود وضع شده است. از آن‌جا که این حد نهایتاً مبتنی بر قانون خود-تحمیل شده‌ای است که در رمزگان رایانه‌ای حک گردیده است، بجا است که این بار در پرتو نظریه‌ی حکمی پول مروری بر بیت‌کوین داشته باشیم.

## پول حکمی بدون دولت

نظریه‌ی حکمی پول می‌گوید که پول نهایتاً مخلوق دولت یا {مخلوق} یک موجودیت حکمفرما است. یک صورت‌بندی کلاسیک این نظریه را در «نظریه‌ی دولتی پول» نوشته گئورگ فردریش ناپ<sup>۳۳</sup> می‌توان یافت: «پول مخلوق قانون است» و از این رو «روح پول، نه در ماده‌ی سکه‌ها بلکه در دستورالعمل‌های قانونی‌ای جای دارد که استفاده از آنها را تحت قاعده در می‌آورد» (۱: ۱۹۲۴-۲). کینز ارجاعات صریحی به ناپ دارد و به‌واقع بخش اعظم اقتصاد کینزی مبتنی بر ایده‌ی پول حکمی است.



صورت‌بندی‌های جدیدتر از نظریه‌ی حکمی پول را می‌توان در موزلر (۱۹۹۷)، ری (۱۹۹۸)، و بل (۲۰۰۰) یافت. ایده‌ی اصلی این است که دولت‌ها از خلال دو حرکتِ همزمان پول می‌سازند. دولت با یک دست، ابژه‌هایی می‌سازد که قانوناً پول نام می‌گیرند و با دست دیگر، همان ابژه‌ها را به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت مالیات، تعرفه، جریمه و سایر انواع بدهی‌های شهروندان به دولت، مطالبه می‌کند. دولت با این خلقِ عرضه و تقاضا، چرخه‌ی پول را در اقتصاد به‌راه می‌اندازد. از آن‌جا که همه‌ی کنشگران اقتصادی خصوصی نهایتاً برای پرداخت دیون‌شان به دولت به این پول مجاز و مصوب نیاز پیدا خواهند کرد، تقاضا برای این پول به‌زودی عمومیت می‌یابد و حتی در معاملات معمولی میان کنشگران خصوصی به گردش می‌افتد.

چنان که دیدیم، هدف اصلی بیت‌کوین خلق فرمی از پول است که متکی به اعتماد به هیچ مرجع مرکزی‌ای نباشد. بیت‌کوین از این لحاظ از اساس با پول حکمی که از سوی یک دولت یا موجودیت حکمفرمای دیگری صادر می‌شود متفاوت است. با این حال، بیت‌کوین همچنان در برخی خصوصیات خود با آن انگاره از پول که در نظریه‌ی حکمی دیده می‌شود اشتراک دارد. هرچند که سیستم‌های پولی کنونی گاه مدل پول کاغذی ملی به پشتوانه‌ی استاندارد طلا، خصلت‌نمای پول حکمی، در شکل ایده‌آلش، عاری بودن آن از هر گونه ارزش ذاتی است. فرم‌های پول کاغذی، مثلاً اسکناس ۱۰۰۰ روبرلی روسیه یا اسکناس ۱۰۰ کرون دانمارک، هیچ مقصود مفید قابل‌ملاحظه‌ی دیگری جز کارکردشان به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت ندارند. فقط به این خاطر واجد ارزش هستند که عموماً از سوی اجتماعی از کاربران پول پذیرفته شده‌اند. در مورد بیت‌کوین نیز همین‌طور است. بیت‌کوین فقط تا جایی به‌عنوان پول دارای ارزش است که اجتماعی از کاربران مایل باشند بیت‌کوین را در ازای کالاها، خدمات یا سایر فرم‌های پول بپذیرند. بیت‌کوین فاقد ارزش ذاتی است. جورج زیمل، از دیگر طرفداران نظریه‌ی حکمی پول، می‌گوید که «پول فقط طلبی است بر ذمه‌ی جامعه». زیمل توضیح می‌دهد که چطور «انگار پول، به‌قولی، حواله‌ای است که نام پرداخت‌کننده را بر خود ندارد» (۱۹۰۰: ۱۷۶). این تعریف، کاملاً با کارکرد بیت‌کوین جور است. بیت‌کوین طلبی است بر ذمه‌ی «جامعه‌ی» کاربرانی که مایلند بیت‌کوین را بپذیرند.

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

در «درآوردن پول» (بیا، ۲۰۱۴) نقش دولت در کارکرد پول حکمی به‌واسطه‌ی مفهوم میل نزد ژیتک توضیح داده شده است. یک نکته‌ی اساسی در اندیشه‌ی ژیتک درباره‌ی این موضوع، این است که میل همواره با ساحت نمادین میانجی‌گری می‌شود. این در شعار لکانی «میل انسان میل دیگری است» ضبط گردیده است (لکان، ۱۹۶۶: ۳۱۲). این یعنی آن که میل سوژه هیچ‌گاه یک ولع ساده و خودجوش برای ابژه‌ای مشخص نیست:

«میل انسان توسط دیگری بزرگ "مرکززوده"، سامان نمادین، ساختار یافته است: آنچه که به آن میل می‌ورزم از پیش توسط دیگری بزرگ تعیین یافته است، توسط آن فضای نمادینی که در آن سکنی دارم. ... سوژه فقط تا آن جا میل می‌ورزد که دیگری بزرگ را {موجودیتی} میل‌ورز، و همچون جایگاه یک میل فهم‌ناپذیر و بی‌انتهای تجربه می‌کند، چنان که انگار میلی گنگ و مبهم از او ساطع می‌شود.» (ژیتک، ۲۰۰۶: ۴۱-۴۲)

در خصوص پول حکمی، دولت است که کارکرد دیگری بزرگ را ایفا می‌کند. دولت از اتباع کشور می‌خواهد که مالیات‌ها را با آن نوع ابژه‌هایی که قانوناً پول به شمار می‌آیند بپردازند، و به این سان، میل به این ابژه‌ها در مقام پول را ابراز می‌کند. با دیگرگونه کردن جمله‌ای از نقل‌قول بالا می‌توان گفت «آنچه کنشگران خصوصی به‌عنوان پول به آن میل می‌ورزند از پیش توسط دیگری بزرگ دولت، آن فضای اقتصادی حکمفرمایی که تحت آن به کسب‌وکار مشغول‌اند تعیین یافته است». حال وقتی کنشگران خصوصی در اقتصاد، در میان خود و به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت، شروع به استفاده از این ابژه‌ها می‌کنند، این میل دیگری بزرگ در این کنشگران ممزوج می‌شود. کنشگران خصوصی دیگر میل خود به این ابژه‌های خاص را که در مقام پول هستند چیزی که از سوی دولت آمده باشد تجربه نمی‌کنند. میل دیگری بزرگ، میل سوژه‌ی اقتصادی است.

البته که بیت‌کوین با روبل روس، کرون دانمارک یا سایر ارزهای ملی متعارف تفاوت دارد، از این لحاظ که (تاکنون)<sup>۳۴</sup> هیچ دولتی با استفاده از حاکمیت خود،

۳۴ یعنی تا سال ۲۰۱۵

بیت‌کوین را به عنوان وسیله‌ی پرداخت مالیات‌ها مطالبه نکرده است. جامعه‌ی کاربران بیت‌کوین یک جامعه‌ی کاملاً داوطلبانه است. هیچ‌کس مجبور نیست بیت‌کوین را به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت بپذیرد، چه در سمت دریافت‌کننده و چه پرداخت‌کننده. در سیستم‌های متعارف پول حکمی، دولت برای به راه انداختن زنجیره‌ی عرضه و تقاضای ارز، هر دو، وارد عمل می‌شود، اما نهایتاً تقاضا برای ارز عمومیت می‌یابد و حتی در تراکنش‌های همتا-به-همتا نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. من از کرونر دانمارک خودم فقط برای پرداخت مالیات‌ها استفاده نمی‌کنم، خریدهای بقالی را هم با آن انجام می‌دهم. برخلاف آنها، بیت‌کوین به‌مثابه یک پول حکمی بدون دولت کار می‌کند. بیت‌کوین از یک منظر صرفاً تکنیکی، یک سیستم کاملاً کارآمد است، اما از این لحاظ که توانسته باشد یک جامعه‌ی کاربری جافتاده و رشدیافته را استقرار بخشد هنوز در مراحل ابتدایی خود قرار دارد.

این پرسش که آیا بیت‌کوین به یک ارز تمام و کمال تبدیل خواهد شد و اگر آری، چگونه، موضوعی است که هم از جنبه‌ی کمی و هم از جنبه‌ی مفهومی مورد کاوش قرار گرفته است (لوتر، ۲۰۱۳؛ لوتر و وایت، ۲۰۱۴؛ کوستاکیس و گیتیتس، ۲۰۱۴). کارلشتروم (۲۰۱۴) این را به‌عنوان مسأله‌ای مربوط به «جای‌گیرشدگی اجتماعی»<sup>۳۵</sup> بیت‌کوین مفهوم‌پردازی کرده است. چالش پیش رو، ذیل چهارچوب نظری مقاله‌ی حاضر، این است که چگونه می‌توان یک میل عمومی به بیت‌کوین به‌عنوان پول ایجاد کرد بی آن‌که در این میان یک نهاد واقعی نقش دیگری بزرگ را ایفا کرده و به‌عنوان کاتالیزور این میل عمل کند. شاید بتوان بیت‌کوین را فرمی از پول پسا-حکمی دانست. چنانکه دیدیم بیت‌کوین محتاج اعتماد به یک مرجع مرکزی نیست. به همین خاطر، مسأله‌ی اعتماد به‌تمامی مرکز‌زوده شده است، تا به آن‌جا که ارزش بیت‌کوین نهایتاً متکی به این است که کاربران به این اعتماد داشته باشند که دیگر کاربران قصد دارند این ارز را در پرداخت‌های آتی برای خرید کالاها و خدمات و تصفیه‌ی بدهی‌ها بپذیرند. به این معنا بیت‌کوین، در مقام پول پسا-حکمی، تجسم آن شعار لکانی است که «دیگری بزرگ وجود ندارد».

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

دولتی که مالیات را به بیت‌کوین بگیرد وجود ندارد، اما در غیاب چنین دولتی، تعداد تجاری که این ارز را به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت می‌پذیرند به‌سرعت در حال افزایش است. البته هنوز فقط معدودی از تجار منحصراً بیت‌کوین را به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت می‌پذیرند، یعنی مختارید که پرداخت را با بیت‌کوین یا با ارزهای متعارف انجام دهید. یک استثنای قابل توجه بر این قاعده، وب‌سایت «سیلک‌رُد» **Silk Road** است، یک بازار آن‌لاین برای مجموعه‌ی متنوعی از کالاها که البته تمرکز اصلی‌اش بر مواد مخدر و سایر مواد غیرقانونی است (بارت، ۲۰۱۲). این سایت از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۳ که **FBI** آن را بست مشغول به کار بود، اما خبر رسیده که نسخه‌ی جدید و بهبودیافته‌ی آن تحت عنوان **Silk Road ۲.۰** مجدداً به راه افتاده است (گریبگ، ۲۰۱۳). با توجه به ماهیت غیرقانونی تراکنش‌هایی که از طریق «سیلک‌رُد» و سایت‌های مشابه انجام می‌گیرد، گمانم بودن اشخاص در آن‌ها یک مسأله‌ی محوری است، و از این‌رو در این سایت فقط از بیت‌کوین به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت استفاده می‌شود (میکلیجان و همکاران، ۲۰۱۳). در مطالعه‌ای به سال ۲۰۱۲، تخمین زده شده که بین ۴.۵ تا ۹ درصد کل معاملاتی که در آن‌ها بیت‌کوین با سایر ارزهای متعارف مبادله شده است، به معاملات «سیلک‌رُد» مرتبط بوده‌اند (کریستین، ۲۰۱۲). یک گواه دیگر در تأیید اهمیت معامله در «سیلک‌رُد»، داده‌های به‌روزتری است که پس از توقیف وب‌سایت افشا شد، مبنی بر این که عابده‌ای بالغ بر ۹.۵ میلیون بیت‌کوین از طریق این سایت گرد آمده است (فرنهلتنز، ۲۰۱۳). اگر بیت‌کوین نهایتاً به یک ارز کاملاً کارکردی و برخوردار از یک پایگاه کاربری رشدیافته تبدیل گردد، و اگر مورخان آینده بخواهند تاریخ بیت‌کوین را بنویسند، بعید نیست که به «سیلک‌رُد» به‌عنوان عاملی مهم در پاگرفتن این ارز اشاره شود. شاید در آینده معلوم گردد که «سیلک‌رُد» آن شَرّراه‌اندازی<sup>۳۶</sup> بوده که نخستین بار میل به بیت‌کوین را در مقام پول برانگیخته است. با پیشنهادی که مکس کیسر،<sup>۳۷</sup> مفسر مالی، مطرح کرده است می‌توان جایگاه بیت‌کوین به‌عنوان یک نوع پول پسا-حکمی را از زاویه‌ای دیگر مورد تأمل قرار داد. او

<sup>۳۶</sup> instigator

<sup>۳۷</sup> Max Keiser

پیشنهاد می‌کند که فلسطین، به جای شِکِل<sup>۳۸</sup> اسرائیل که هم اکنون ارز رسمی تشکیلات خودگردان فلسطین در غزه و کرانه باختری است، به بیت‌کوبین روی بیاورد: «اقتصاد فلسطین یک اقتصاد چند میلیارد دلاری است که نفعش متأسفانه عمدتاً به بیگانگان می‌رسد. اما اگر بیت‌کوبین به‌عنوان ارز رسمی فلسطین اتخاذ گردد، فلسطینی‌ها قادر خواهند بود که خود سرنوشت اقتصادی‌شان، و به تبع آن، سرنوشت حکمرانی‌شان را به دست گیرند. به این ترتیب در مدت زمان بسیار کوتاهی فلسطین استوارترین ارز را در جهان خواهد داشت، همان‌قدر خواستنی و همان‌قدر باثبات که طلا و نقره. با تنزل یافتن ارزش انواع پول‌های "حکمی" کاغذی در کشورهای مختلف جهان، قدرت خرید ارز فلسطین حفظ خواهد شد. استانداردهای زندگی فلسطینی‌ها ارتقا خواهد یافت تا به آنجا که شِکِل اسرائیلی در مقابل بیت‌کوبین فلسطینی رنگ خواهد باخت.» (کیسر، ۲۰۱۳)

این پیشنهاد در حال حاضر فقط یک ایده‌ی سرسری است و نشانه‌ای هم از اجرایی شدنش در آینده‌ی نزدیک وجود ندارد، و با این حال به طرز جالبی نشان می‌دهد که بیت‌کوبین چگونه بر تصورات متعارف ما از رابطه میان پول‌ها و ملت-دولت‌ها سایه‌ی تردید می‌افکند. چنانکه دیدیم، پول، در نظریه‌ی حکمی، مخلوق دولت حکمفرما است. اما اگر فلسطین بیت‌کوبین را به‌عنوان ارز رسمی خود اتخاذ کند و تأثیراتش نیز همان‌ها باشد که در نقل قول بالا آمده است، این امکان هست که جهت‌تأثیرگذاری وارونه‌ی این باشد، به این معنا که پول-پسا-حکمی بیت‌کوبین، با مستقل کردن فلسطینی‌ها از سیاست پولی اسرائیل، در جهت خلق حاکمیت فلسطین عمل کند، در حالی که به طور معمول برعکس این انتظار می‌رود.

## پول اعتباری بدون بدهی

سومین و آخرین سنخ آرمانی چهارچوب تحلیلی ما را نظریه‌ی اعتباری پول شکل می‌دهد. خلاصه‌ی این نظریه این است که پول بدهی است. از مراجع استاندارد این

---

<sup>۳۸</sup> Shekel

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

نظریه، آفلرد میچل اینز<sup>۳۹</sup> است که می‌نویسد: «بدهی، و فقط بدهی، پول است» (۱۹۱۳:۳۹۳)؛ و صحبتش را این‌گونه شرح و بسط می‌دهد:

«نظریه‌ی اعتباری مختصراً چنین می‌گوید: یک فروش و خرید، مبادله‌ی کالا در ازای اعتبار است. از این نظریه‌ی اصلی، این نظریه‌ی فرعی ناشی می‌شود که ارزش اعتبار یا پول نه به ارزش این یا آن فلز، بلکه به حقی که طلبکار بر "پرداخت" کسب می‌کند بستگی دارد.» (۱۹۱۴:۱۵۲)

به عبارت دیگر، پول طلبی است بر ذمه‌ی یک بدهکار که دارنده‌ی پول را محق می‌سازد تا به‌عنوان تصفیه‌ی بدهی، پرداختی دریافت کند.<sup>۴۰</sup> هر پولی بدهی است اما برعکسش لزوماً صحیح نیست یعنی هر بدهی‌ای پول نیست. برای آن‌که بدهی تبدیل به پول شود باید بتواند با یک ارزش اسمی ثابت در میان اعضای یک جامعه‌ی اقتصادی دست‌به‌دست شود. ارزش پول به‌عنوان بدهی نهایتاً به شایستگی اعتباری<sup>۴۱</sup> بدهکار بستگی دارد. یک اعتبار ۱۰۰۰ پوندی که بر ذمه‌ی یک گدا است به اندازه‌ی یک اعتبار ۱۰۰۰ پوندی که بر ذمه‌ی یک میلیونر است ارزش ندارد. از این رو در صورت‌بندی‌های متاخر از نظریه‌ی اعتباری پول، بر نقش اساسی بانک‌های تجاری در خلق پول تأکید شده است (ورنر، ۲۰۰۵؛ بنز و کامهوف، ۲۰۱۲؛ جکسون و دیسون، ۲۰۱۳). بانک‌ها به‌عنوان بستانکارهای غایی یا حتی بستانکارهای والا از بقیه متمایز می‌شوند، و این یعنی آن‌که بدهی‌های آنها در پرداخت‌ها پذیرفته می‌شود بی آن‌که از ارزش اسمی آنها چیزی کسر گردد. ۱۰۰۰ پوند در بانک دقیقاً به اندازه‌ی ۱۰۰۰ پوند کالای یک فروشگاه را می‌خرد. زمانی که یک بانک تجاری یک وام ۱۰۰۰ پوندی می‌دهد لازم نیست که با پول نقد، طلا یا شکل دیگری از پول آن را پرداخت کند. بانک در ازای وام صرفاً به موجودی حساب وام‌گیرنده می‌افزاید و حال همین موجودی به‌تازگی اضافه‌شده در مقام

---

### ۳۹ Alfred Mitchell Innes

<sup>۴۰</sup> مترجم به اجبار یکی از کلمات جمله‌ی اصلی را تغییر داده است چون جمله در کلیتش اشتباه به نظر می‌رسد. در متن انگلیسی، به جای «مُحق می‌سازد» فعل «متمهد می‌سازد» آمده است و به احتمال زیاد ایراد جمله همین باشد.

<sup>۴۱</sup> خوش‌حسابی (credit worthiness)

پول عمل می‌کند. با توجه به گستره‌ی سیستم‌های پرداخت الکترونیکی امروزی، برای این که این پول اعتباری به‌مثابه وسیله‌ی پرداخت عمل کند نیازی نیست که به پول نقد یا به ذخایر بانک مرکزی تبدیل گردد.

سیستم پولی معاصر ما را می‌توان ترکیبی از دو نوع متفاوت پول دانست: (۱) پول حکمی در شکل پول نقد یا ذخایر بانک مرکزی که در حساب‌های بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی نگهداری می‌شود، و (۲) پول اعتباری در شکل سپرده‌ای موجود در حساب‌های جاری کاربران خصوصی پول نزد بانک‌های تجاری (ریان-کالینز و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۵-۱۶). در این سیستم، پول اعتباری به‌مثابه‌ی وسیله‌ی بلاواسطه‌ی پرداخت عمل می‌کند چرا که در میان مشتریان مختلف بانک‌های تجاری دست‌به‌دست می‌شود. از پول حکمی بانک مرکزی فقط برای این استفاده می‌شود که مانده‌های حساب<sup>۴۲</sup> میان بانک‌های مختلف سیستم در پایان هر روز بانکی تصفیه گردند. از آن‌جا که با گردش پرداخت‌ها در جهت‌های معکوس یکدیگر در میان دارندگان حساب در بانک‌های تجاری مختلف یا حتی میان دارندگان حساب در یک بانک واحد، اغلب پرداخت‌ها در طی روز به‌طور خودکار تصفیه می‌شوند، آن میزانی از ذخایر بانک مرکزی که لازم است بانک‌های تجاری نگهداری کنند، در مقایسه با میزان پول اعتباری معوقه‌ی<sup>۴۳</sup> موجود در حساب‌های سپرده مشتریان، بسیار اندک است. اُس و اساس بانکداری ذخیره‌ی کسری،<sup>۴۴</sup> تفاضل میان این دو نوع پول است که به بانک‌های تجاری خصوصی امکان می‌دهد تا با وام دادن پول اعتباری به مشتریان، پول اعتباری جدید خلق کنند.

پارادوکس بانکداری ذخیره‌ی کسری این است که از یک‌سو پول اعتباری بانک تجاری با همان ارزش پول حکمی صادرشده از سوی دولت گردش می‌کند، اما از سوی دیگر، میزان پول اعتباری معوقه (تصفیه‌نشده)، بسیار بسیار از میزان پول حکمی‌ای که به صورت ذخیره در بانک موجود است بیشتر است. می‌توان چگونگی نگهداشت این سیستم را به‌واسطه‌ی مفهوم ایدئولوژی نزد ژیزک درک کنیم:

#### ۴۲ outstanding balances

۴۳ Outstanding. تصفیه نشده

۴۴ fractional reserve banking: سیستمی است که در آن ذخیره بانک تنها کسری از تمامی

حساب‌های مشتریان است. (ویکی‌پدیا)

«ایدئولوژی با ترجمه امکان‌ناپذیری به انسداد تاریخی خاصی سر و کار دارد، و از آنجا رویای ارضاء غایی را حفظ می‌کند - رویارویی کامل با چیز<sup>۴۵</sup>. از سوی دیگر {...} ایدئولوژی به عنوان راهی برای تنظیم فاصله‌ای معین با چنین رویارویی‌ای عمل می‌کند. ایدئولوژی در سطح فانتزی دقیقاً همان چیزی را حفظ می‌کند که در سطح عمل می‌کوشد تا از آن دوری بجوید. {...} بنابراین چنین می‌نماید که در مورد رویارویی با چیز، ایدئولوژی هم با حفظ و هم با اجتناب سر و کار دارد.» (ژیژک و دالی، ۲۰۰۴: ۷۰-۷۱) ۴۶

به لحاظ ساختاری این که همه‌ی مشتریان بانک بتوانند پول اعتباری‌شان را در شکل یک پول حکمی صادرشده از سوی دولت مطالبه کنند ناممکن است، اما ایدئولوژی بانکداری ذخیره‌ی کسری، این «ناممکن‌بودگی» ساختاری را به چیزی موردی، مربوط به ملاحظات عملی، و به اختیار و دلخواه فرد «ترجمه می‌کند».

اصولاً هریک از مشتریان می‌تواند به بانک مراجعه کند و بخواهد که سپرده‌اش را نقداً به وی پرداخت کنند؛ و بانک هم حواسش است که نقدینگی‌اش را چنان مدیریت می‌کند که بتواند خواسته‌ی هر مشتری این‌چنینی را اجابت کند. اما بانک دقیقاً با فراهم آوردن چنین امکانی، از این که اکثریت مشتریان هیچگاه به چنین کاری مبادرت کنند پیشگیری می‌کند. این ایدئولوژی، با نگهداشت این فانتزی<sup>۴۷</sup> در ذهن مشتریان که هر زمان بخواهند می‌توانند پول اعتباری‌شان را به «چیز واقعی» تبدیل کنند، «به‌عنوان راهی برای تنظیم فاصله‌ای معین با چنین رویارویی‌ای عمل می‌کند». از آنجا که استفاده از پول اعتباری الکترونیکی به‌طور معمول بسیار راحت‌تر از پول نقد حکمی است، دلیلی ندارد که مشتریان بخواهند پول‌شان را تبدیل کنند. تبدیل‌پذیری پول اعتباری به پول حکمی، «در سطح فانتزی دقیقاً همان چیزی را حفظ می‌کند که در سطح عمل می‌کوشد تا از آن دوری بجوید». امروزه ما در عصر پول پسا-اعتباری زندگی می‌کنیم، در زمانه‌ای که اکثریت عظیم پرداخت‌ها چیزی جز مبادله‌ی اعتبارهای

---

۴۵ Thing

۴۶ برگرفته از ترجمه‌ی مجتبی گل محمدی.

۴۷ خیال



بانک‌های خصوصی میان کاربران پول نیستند و این اعتبارها به ندرت برای نقد شدن<sup>۴۸</sup> به شکل دیگری از پول، جز همان اعتبار بانک تجاری، برمی‌گردند (بیا، ۲۰۱۴: ۱۵۵-۱۹۲).

از آنجا که پول اعتباری نهایتاً یک رابطه قراردادی میان یک بستانکار و یک بدهکار است، مادیت پول، اهمیت و معنای بسیار کمی در آن دارد. به واقع پول اعتباری در اغلب اوقات به طور محض مجازی است چرا که چیزی نیست جز ثبت رابطه میان بستانکار و بدهکار در یک سیستم حسابداری. در مورد بیت کوین این خصوصیت را به وضوح می‌توان دید. هسته‌ی بیت کوین، بلاک‌چین است که به مثابه یک دفترکل عمومی برای ثبت اعتبارهای کاربران پول ذیل سیستم عمل می‌کند. ارزش فلان کیف پول بیت کوین متناظر است با اعتباری که در بلاک‌چین ثبت شده است.

البته در عین حال تفاوت‌های اساسی‌ای میان بیت‌کوین و فرم‌های متعارف و مرسوم پول اعتباری وجود دارد؛ و مهم‌ترین‌شان این است که بیت‌کوین پول جدیدی خلق می‌کند که به نام خودش صادر کرده است. هنگامی که یک بانک تجاری معمولی اجازه می‌یابد تا به ارز ملی کشوری که در آن فعالیت دارد اعتبار جدید صادر کند، عملاً جواز صدور پول آن کشور را کسب کرده است. این جواز یعنی آن که پول اعتباری بانک تجاری، هم‌تراز با نقدینگی فیزیکی واقعی چاپ‌شده توسط بانک مرکزی به گردش درمی‌آید. زمانی که تجار پول را به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت بهای کالاها یا خدمات می‌پذیرند چندان برایشان مهم نیست که پرداخت با پول اعتباری الکترونیکی انجام می‌گیرد یا پول نقد. و نهایتاً حتی دولت هم پول اعتباری بانک را به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت مالیات‌ها، جریمه‌ها و سایر بدهی‌ها می‌پذیرد. خلاصه آنکه پول اعتباری بانک تجاری را حکم دولت پشتیبانی می‌کند.

پول‌های متعارف در ناحیه‌ای خلق می‌شوند که تمایزی میان حاکمیت رسمی و مؤسسه‌ی بانکداری خصوصی در آن وجود ندارد، اما بیت‌کوین به‌وضوح از این قبیل پول‌ها متفاوتند چرا که بیت‌کوین صرفاً سیستمی برای خلق پول جدید نیست بلکه همچنین یک ارز مستقل است. خیلی‌ها که تازه با بیت‌کوین آشنا شده‌اند از این که این

---

<sup>۴۸</sup> redemption

بیت کوبین چه طور پول است؟

سیستم ظاهراً از هیچ پول جدید می‌سازد به حیرت می‌افتند و گیج می‌شوند. واقعاً هم بیت کوبین از لحاظی جای گیج شدن دارد، اما جالب این‌جا است که ما این را که سیستم بانکی تجاری متعارف از هیچ پول جدید خلق می‌کند راحت می‌پذیریم و با آن مشکلی نداریم. بیت کوبین دست کم این مزیت را دارد که با ارز ملی هیچ کشوری رابطه‌ی انگلی ندارد. اگر بیت کوبین نهایتاً در یک چرخه ابرتورمی دچار فروپاشی شود، ضررش فقط به آن دسته از کاربران پول که خود انتخاب کرده‌اند بخشی از پول‌شان را در بیت کوبین سرمایه‌گذاری کنند می‌رسد؛ اما وقتی بانک‌های تجاری بزرگ سقوط می‌کنند معمولاً ارگانایسم میزبان، یعنی کل ارز کشوری را که در آن مشغول فعالیت هستند، با خود به زیر می‌کشند. و البته به همین خاطر هم است که حاکمیت میزبان اغلب اجازه نمی‌دهد که این انگل‌ها ورشکست شوند.

تفاوت دیگر میان بیت کوبین و پول اعتباری بانک‌های تجاری این است که خلق بیت کوبین‌های جدید و ورود آن‌ها به اقتصاد، عاری از بدهی است. زمانی که بانک‌های تجاری اعتبار جدید صادر می‌کنند که به صورت پول به گردش می‌افتد، روی دیگر آن، بدهی مشتری به بانک است. از آن‌جا که نرخ بهره‌ای که بر بدهی مشتری به بانک اعمال می‌شود بسیار بالاتر از نرخ بهره‌ی بدهی بانک به مشتری است، گرایش ذاتی سیستم این است که مجموع میزان بدهی با سرعتی بیش از مجموع عرضه‌ی پول رشد کند (بینزوانگر، ۲۰۱۳). پیش‌تر اشاره کردیم که بیت کوبین از این جنبه مشابه با پول حکمی صادرشده توسط دولت است. یک بیت کوبین، بازنماینده‌ی طلبی که بر ذمه‌ی بدهکار مشخصی باشد نیست بلکه بازنماینده‌ی طلبی است بر ذمه‌ی کل «جامعه»ی کاربران بیت کوبین. بیت کوبین، پول اعتباری بدون بدهی است.

بعید نیست که در آینده شاهد مؤسسات اعتباری‌ای باشیم که به بیت کوبین وام می‌دهند. اما عملکرد این قبیل مؤسسات ضرورتاً از بانک‌های تجاری تحت سیستم پولی متعارف متفاوت خواهد بود. در سیستم بیت کوبین، فقط یک نوع پول وجود دارد و پرداخت‌ها تقریباً بلافاصله از طریق بلاک‌چین تصفیه می‌شوند. و این یعنی آن‌که اگر یک بانک تجاری می‌خواهد به مشتری‌ای بیت کوبین وام دهد لازم است که این پول را از پیش داشته باشد. می‌تواند این پول را از مشتری دیگری‌ای که بیت کوبین مازاد دارد

قرض بگیرد یا از ذخایر خود برداشت کند. اما توان این را ندارد که صرفاً با افزودن به موجودی حسابی که مشتری نزد بانک دارد، بیت‌کوین‌های جدید خلق کند.

## بدترین شکل پول

«هر اغواءگری‌ای به نوعی یک ورود ناخوانده نابجا یا آزاررسانی هم است. جایی می‌رسد که شما به‌عنوان اغواگر، برای آن‌که به قول معروف نخ بدهید باید پا پیش بگذارید. آیا این یعنی آن‌که هر اغواگری‌ای تماماً یک آزاررسانی ناپسند است؟ نه، و قضیه هم همین است. وقتی که نخ می‌دهید خود را در معرض دیگری، شریک بالقوه زندگی‌تان، قرار می‌دهید و او با واکنشی که نشان می‌دهد است که به نحوی پس‌نگرانه تصمیم می‌گیرد کاری را که انجام داده‌اید آزاررسانی حساب کند یا یک اغواگری موفقیت‌آمیز. از پیش اصلاً نمی‌توان گفت که واکنشش چه خواهد بود.» (ژیژک، ۱۹۹۹)

خب، پس بیت‌کوین چیست؟ آیا ارز آینده است، یا صرفاً یک طرح پونزی در عصر اینترنت؟ البته که همه‌ی علاقه‌مندان به بیت‌کوین دوست دارند جواب این سؤال را بدانند. اما شاید این شیوه‌ی اشتباه طرح سؤال بیت‌کوین باشد - دست‌کم اگر تصورمان این است که پاسخ را می‌توان از ساختار و سرشت خود بیت‌کوین استنتاج کرد. چنان‌که از تحلیلی که تا به اینجا انجام شد دیدیم، نه طلا پشته‌انه‌ی ارزش بیت‌کوین است، نه دولت و نه بدهی. اما نباید نتیجه‌گیری کرد که بیت‌کوین به یک معنا یک فرم تقلبی پول است. یا دست‌کم می‌توان گفت که بیت‌کوین تقلبی‌تر از فرم‌های متعارف‌تر پول نیست.

همه‌ی فرم‌های پول با فرم‌های استثمار، ریسک‌ها و حتی خشونت خاص خود همراه‌اند. اما به نظر می‌رسد همین که یک فرم پولی کاملاً در ساختار اقتصادی عام جامعه ادغام می‌شود، این فرم‌های استثمار، این ریسک‌ها و خشونت را به‌عنوان چیزهایی اجتناب‌ناپذیر و حتی طبیعی می‌پذیریم. امروزه ما می‌پذیریم که حکومت‌ها انحصار چاپ پول را در دست داشته باشند و همان پول را در قالب مالیات از شهروندان طلب کنند. همچنین می‌پذیریم که بانک‌های تجاری امتیاز دور زدن این انحصار را داشته باشند و پول الکترونیکی جدید صادر کنند و در عین حال برای قرض دادن این

بیت‌کوین چه‌طور پول است؟

پول‌های جدیداً خلق شده بهره بگیرند. مالیات‌ها و بهره، بخشی جدایی‌ناپذیر و طبیعی سرشت اقتصادی جامعه به نظر می‌رسند. این‌جا است که صحبت ژیزک درباره‌ی اغواگری مناسب می‌یابد. کنش اغواگری لزوماً دربرگیرنده میزانی از حریم‌شکنی و آزاررسانی است. اما اگر اغواگری به موفقیت بینجامد و طرف اغواء شده، دعوت به برقراری رابطه را بپذیرد، این «بنیان‌گذاری خشن» رابطه، به گونه‌ای پس‌نگرانه، محو گشته و در هیأت یک روایت رومان‌تیک با مضمون «عشق در نگاه اول» بازنویسی می‌شود. اما اگر دعوت نخست شخص اغواگر پس زده شود و اغواگری ناموفق باشد، متعاقباً او (اوی مذر، و جنسیتش البته تصادفی هم نیست) در انظار، یک «خوک کثیف» یا حتی یک متجاوز جنسی بالقوه خواهد شد.

بیت‌کوین در حال حاضر در نقطه‌ای است که نخستین پاپیش‌گذاشتن‌ها را در عرصه‌ی اقتصاد عمومی انجام داده است. هنوز کاربران و تجار تا حد زیادی پاسخ‌شان را معطل گذاشته‌اند. باید دید که آیا این ارز از سوی گروهی از کاربران و تجار - گروهی آن‌قدر بزرگ که بتواند آن را روی غلتک انداخته و به ورای موقعیت کنونی‌اش در هیأت یک پدیده‌ی جالب پولی و دارایی‌ای برای سفته‌بازی ارتقا دهد - اعتبار کسب خواهد کرد و پذیرفته خواهد شد یا نه. همچنین باید دید که آیا دارندگان کنونی انحصار پولی، یعنی حکومت‌ها و نهادهای مستقر بانکی، بیت‌کوین را برای پیشبرد اهداف راهبردی کنونی‌شان، به‌عنوان یک فناوری جدید خواهند پذیرفت و یا آن‌که آن را رقیبی اخلاک‌گر خواهند دید که می‌بایست مانع‌اش شد. اگر معلوم شود که روند تاریخ با بیت‌کوین همسو است و اگر این ارز عموماً پذیرفته شده و در سیستم تراکنش‌های اقتصادی ما ادغام گردد، ماهیت بیت‌کوین به نحوی پس‌نگرانه و در امتداد روایتی که آن را یک سیستم پولی نبوغ‌آمیز، کارآمد، ارزان، دموکراتیک و نهایتاً پایدار توصیف می‌کند تعیین می‌یابد. در آن صورت نقش «سیلک رُد» در مرحله‌ی آغازین فرگشت بیت‌کوین صرفاً به عنوان یک پدیده‌ی عجیب و جالب‌توجه ثبت خواهد شد و این واقعیت که نخستین اتخاذکنندگان بیت‌کوین سودهای عظیمی از موفقیت این سیستم کسب کرده‌اند، پاداش منصفانه‌ای برای دوراندیشی اقتصادی آنها تعبیر خواهد شد. اما اگر بیت‌کوین از سوی عموم به رسمیت شناخته نشده و پذیرفته نشود، این ارز صرفاً به‌عنوان یک طرح

پونزی دیجیتال در تاریخ ثبت خواهد شد. و با رجوع به تمثیل اغواگری، ساتوشی ناکاموتو، در انظار، یک خوک کثیف و یک متجاوز مالی خواهد شد.

البته که نمی‌بایست فارغ از هرگونه شک و بدبینی، با کمال میل پذیرای بیت‌کوین شد. این هشدار بانک‌های مرکزی و سایر مراجع مالی علیه بیت‌کوین درست است که اگر ارزش آن ناگهان سقوط کند کاربرانش با خطر از دست دادن دارایی‌شان مواجه‌اند. این هم حقیقت دارد که به قول منتقدان از این ارز ممکن است برای مقاصد مجرمانه نظیر خرید و فروش مواد مخدر، فرار مالیاتی و پول‌شویی استفاده شود. و نهایتاً این هم حقیقت دارد که آنها که زودتر از بقیه به این ارز روی آورده‌اند، با چند برابر شدن قیمت بیت‌کوین همزمان با افزایش تعداد کاربران جدید، سودهای بادآورده‌ای نصیبشان شده است و بالقوه یک «اشرافیت بیت‌کوینی» به‌وجود آمده است (کوستاکیس و گیوتیتساس، ۲۰۱۴: ۴۳۷؛ کوستاکیس و باونز، ۲۰۱۴: ۳۳). اما نکته‌ی جالب‌توجه درباره‌ی همه‌ی این انتقادات این است که همین انتقادات به فرم‌های کنونی پول متعارف نیز وارد است و حتی شاید برای آنها مناسب‌تری داشته باشد. اگر دلار آمریکا جایگاه خود را به‌عنوان ارز ذخیره‌ی جهانی از دست بدهد، محتمل است که ارزش آن به طرز چشمگیری سقوط کند و بسیاری از مردم پول‌های هنگفتی را از دست بدهند (به عنوان نمونه نگاه کنید به ریکاردز، ۲۰۱۴). از این لحاظ، تفاوت اساسی میان بیت‌کوین و دلار آمریکا یا هر ارز ملی دیگری وجود ندارد. دیگر این‌که، تجارت مواد مخدر، فرار مالیاتی و پول‌شویی هیچ‌کدام با ابداع بیت‌کوین به‌وجود نیامده‌اند. پیش از این نیز و پیش از آن‌که کسی به فکر بیت‌کوین یا «سیلک‌رُد» بیفتد، با همین پول نقد متعارف یا حتی با پول اعتباری بانکی که به حساب‌های خارج از کشور در جرسی، باهاما یا گریزگاه مالیاتی دیگری انتقال می‌یافت، همه‌ی این فعالیت‌های تأسف‌بار به‌راحتی انجام می‌گرفت (به‌عنوان نمونه نگاه کنید به شاکسون، ۲۰۱۱). و نهایتاً این‌که، کم‌وبیش همه موافق‌اند که سیستم کنونی ما در حوزه‌ی پول، بانکداری و مالیه، همین حالایش هم به یک طرح پونزی شبیه است، چرا که اقلیت کوچکی از کنشگران، با جایگاه مطلوبی که دارند می‌توانند از قِبَل سایر آدم‌های سیستم نفع ببرند (به‌عنوان نمونه نگاه کنید به مالابی، ۲۰۱۱). این انتقادات کم‌وبیش به نوعی فرافکنی فرویدی شبیه‌اند چرا که نواقص پول متعارف را به بیت‌کوین نسبت می‌دهند. به این ترتیب شاید

بیت کویین چه طور پول است؟

بتوانیم تحلیل مان از بیت کویین را با اقتباسی از آن جمله‌ی معروف چرچیل این گونه خلاصه کنیم: «بیت کویین بدترین شکل پول است، جز این که همه‌ی آنهای دیگر هم چنین‌اند»

مطلب بالا ترجمه‌ای است از:

Bjerg, O. (۲۰۱۵). How is Bitcoin money? Theory, Culture & Society, ۱۰(۱), ۱-۲۰.

DOI: ۱۰.۱۱۷۷/۰۲۶۳۲۷۶۴۱۵۶۱۹۰۱۵

### منابع

- Ali, R., Barrdear J., Clews, R., and Southgate, J. (۲۰۱۴). The economics of digital currencies. *Bank of England Quarterly Bulletin*, Q۳.

Available at:

[http://www.bankofengland.co.uk/publications/Documents/quarterlybulletin/۲۰۱۴/\\_qb۱۴q۳digitalcurrenciesbitcoin۱.pdf](http://www.bankofengland.co.uk/publications/Documents/quarterlybulletin/۲۰۱۴/_qb۱۴q۳digitalcurrenciesbitcoin۱.pdf)

(accessed ۹ November ۲۰۱۵).

- Barber, S., Boyen, X., Shi, E. and Uzun, E. (۲۰۱۲). Bitter to better: How to make Bitcoin a better currency. In: Keromytis AD (ed.) *Financial Cryptography and Data Security*. Berlin: Springer, pp. ۳۹۹-۴۱۴.

- Barratt, M.J., (۲۰۱۲). Silk road: eBay for drugs. *Addiction*, ۱۰۷(۳), ۶۸۳-۶۸۳.

- Bell, S. (۲۰۰۰). Do taxes and bonds finance government spending? *Journal of Economic Issues*, ۳۴(۳), ۶۰۳-۶۲۰.

- Benes, J. and Kumhof, M. (۲۰۱۲). The Chicago Plan Revisited. IMF Working Paper ۱۲/۲۰۲.

Available at:  
<https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/۲۰۱۲/wp۱۲۲۰۲.pdf>  
 (accessed ۹ November ۲۰۱۵).

- Binswanger, H.C. (۲۰۱۳). *Die Wachstumsspirale: Geld, Energie und Imagination in der Dynamik des Marktprozesses*. Marburg: Metropolis-Verlag.

- Bjerg, O. (۲۰۱۴). *Making Money: The Philosophy of Crisis Capitalism*. London: Verso.

- Bryan, D. and Rafferty, M. (۲۰۰۶). Financial derivatives: The new gold? *Competition & Change*, ۱۰(۳), ۲۶۵-۲۸۲.

- Bryan, D. and Rafferty, M. (۲۰۰۷). Financial derivatives and the theory of money. *Economy and Society*, ۳۶(۱), ۱۳۴-۱۵۸.

- Bryan, D. and Rafferty, M. (۲۰۰۹). Homemade financial crisis. *Ephemera: Theory & Politics in Organization*, ۹(۴), ۳۵۷-۳۶۲

- Bryan, D. and Rafferty, M. (۲۰۱۲). Why we need to understand derivatives in relation to money: A reply to Tony Norfield. *Historical Materialism*, ۲۰(۳), ۹۷-۱۰۹.

- Christensen, N. (۲۰۱۳). ۲۰۱۳: Year of the Bitcoin.

Available at:  
<http://www.forbes.com/sites/kitco/news/۲۰۱۳/۱۲/۱۰/۲۰۱۳-year-of-the-bitcoin/> (accessed ۶ November ۲۰۱۵).

-Christin, N. (۲۰۱۲). *Traveling the Silk Road: A measurement analysis of a large anonymous online marketplace.*

Available at:  
<https://www.andrew.cmu.edu/user/nicolasc/publications/TR-CMU-CyLab-۱۲-۰۱۸.pdf> (accessed ۶ November ۲۰۱۵).

- Dodd, N. (۲۰۱۴). *The Social Life of Money.* Princeton: Princeton University Press.

- Fernholz, T. (۲۰۱۳). Silk Road collected ۹.۵ million bitcoin – and only ۱۱.۷۵ million exist. Quartz. Available at: <http://qz.com/۱۳۱۰۸۴/silk-road-collected-۹-۵-million-bitcoin-and-only-۱۱-۷۵-million-exist/> (accessed ۶ November ۲۰۱۵).

- Graeber, D. (۲۰۱۱). *Debt: The First ۵,۰۰۰ Years.* New York: Melville House.

- Greenberg, A. (۲۰۱۳). ‘Silk Road ۲.۰’ launches, promising a resurrected black market for the dark web. Available at: <http://www.forbes.com/sites/andy-greenberg/۲۰۱۳/۱۱/۰۶/silk-road-۲-۰-launches-promising-a-resurrected-black-market-for-the-dark-web/> (accessed ۶ November ۲۰۱۵).

- Hayek, F.A. (۱۹۷۶). *Denationalisation of Money: The Argument Refined.* London: London Publishing Partnership.



- Heidegger, M. (۱۹۲۷). *Sein Und Zeit*. Tübingen: Max Niemeyer Verlag.
- Hudson, M. (۲۰۰۴). The archaeology of money: Debt versus barter theories of money's origins. In: Wray LR (ed.) *Credit and State Theories of Money: The Contributions of A. Mitchell Innes*. Cheltenham: Edward Elgar, pp. ۹۹-۱۲۷.
- Hudson, M. (۲۰۱۲). *The Bubble and Beyond*. Dresden: Islet.
- Humphrey, C. (۱۹۸۵). Barter and economic disintegration. *Man*, ۲۰(۱), ۴۸-۷۲.
- Ingham, G. (۲۰۰۰). 'Babylonian madness': On the historical and sociological origins of money. In: Smith, J. (ed.) *What Is Money?* London: Routledge, pp. ۱۶-۴۱.
- Ingham, G. (۲۰۰۴). *The Nature of Money*. Cambridge: Polity.
- Ingham, G. (۲۰۰۶). Further reflections on the ontology of money: Responses to Lapavistas and Dodd. *Economy and Society* ۳۵(۲): ۲۵۹-۲۷۸.
- Innes, A.M. (۱۹۱۳). What is money? *The Banking Law Journal*, ۳۰, ۳۷۷.
- Innes, A.M. (۱۹۱۴). Credit theory of money. *The Banking Law Journal*, ۳۱, ۱۵۱.
- Jackson, A. and Dyson, B. (۲۰۱۳). *Modernising Money: Why Our Monetary System Is Broken and How It Can Be Fixed*. London: PositiveMoney.

- Karlstrøm, H. (۲۰۱۴). Do libertarians dream of electric coins? The material embeddedness of Bitcoin. *Distinktion: Scandinavian Journal of Social Theory*, ۱۵(۱), ۲۳-۴۶.

- Keen, S. (۲۰۱۱). *Debunking Economics: The Naked Emperor Dethroned*. London: Zed.

- Keiser, M. (۲۰۱۳). Should Palestine switch from the shekel to Bitcoin? RT.

Available at: <https://www.rt.com/op-edge/palestine-switch-to-bitcoin-۵۵۸/> (accessed ۶ November ۲۰۱۵).

- Keynes, J.M. (۱۹۳۶). *The General Theory of Employment, Interest, and Money*. New York: Harcourt.

- Knapp, G.F. (۱۹۲۴). *The State Theory of Money*. London: Macmillan & Co.

- Kostakis, V. and Bauwens, M. (۲۰۱۴). *Network Society and Future Scenarios for a Collaborative Economy*. London: Palgrave Macmillan.

- Kostakis, V. and Giotitsas, C. (۲۰۱۴). The (a)political economy of Bitcoin. *tripleC: Communication, Capitalism & Critique*, ۱۲(۲), ۴۳۱-۴۴۰.

- Lacan, J. (۱۹۶۶). The function and field of speech and language in psychoanalysis. In: *Ecrits*. London: W. W. Norton & Co.

- Luther, W.J. (۲۰۱۳). Cryptocurrencies, Network Effects, and Switching Costs (SSRN Scholarly Paper ۲۲۹۵۱۳۴). Rochester, NY: Social Science Research Network.
- Luther, W.J. and White, L.H. (۲۰۱۴). Can Bitcoin Become a Major Currency? (SSRN Working Paper ۲۴۴۶۶۰۴). Rochester, NY: Social Science Research Network.
- Mallaby, S. (۲۰۱۱). *More Money than God: Hedge Funds and the Making of a New Elite*. New York: Penguin.
- Maurer, B., Nelms, T.C. and Swartz, L. (۲۰۱۳). 'When perhaps the real problem is money itself!': The practical materiality of Bitcoin. *Social Semiotics*, ۲۲(۲), ۲۶۱-۲۷۷.
- Meiklejohn, S., Pomarole, M., Jordan, G., Levchenko, K., McCoy, D., Voelker, G.M. and Savage, S. (۲۰۱۳). A fistful of bitcoins: Characterizing payments among men with no names. In: Proceedings of the ۲۰۱۳ Conference on Internet Measurement Conference. New York: ACM, pp. ۱۲۷-۴۰.
- Menger, K. (۱۸۹۲). On the origin of money. *The Economic Journal*, ۲(۶), ۲۳۹-۲۵۵.
- Mosler, W. (۱۹۹۷). Full employment and price stability. *Journal of Post Keynesian Economics*, ۲۰(۲), ۱۶۷-۱۸۲.
- Nakamoto, S. (۲۰۰۸). Bitcoin: A peer-to-peer electronic cash system.

Available at: <https://bitcoin.org/bitcoin.pdf> (accessed ۶ November ۲۰۱۵).

- Rickards, J. (۲۰۱۴). *The Death of Money: The Coming Collapse of the International Monetary System*. New York: Portfolio Penguin.

- Rosenblum, P. (۲۰۱۴). Bitcoin: The currency of the future?

Available at:  
<http://www.forbes.com/sites/paularosenblum/۲۰۱۴/۰۱/۲۷/bitcoin-the-currency-of-the-future/> (accessed ۶ November ۲۰۱۵)

- Ryan-Collins, J., Greenham, T., Werner, R. and Jackson, A. (۲۰۱۱). *Where Does Money Come From? A Guide to the UK Monetary and Banking System*. London: New Economics Foundation.

- Selgin, G. (۲۰۱۵). Synthetic commodity money. *Journal of Financial Stability*, ۱۷, ۹۲-۹۹.

- Shaxson, N. (۲۰۱۱). *Treasure Islands: Uncovering the Damage of Offshore Banking and Tax Havens*. London: Palgrave Macmillan.

- Simmel, G. (۱۹۰۰). *The Philosophy of Money*. London: Routledge.

- Smith, A. (۱۷۷۶). *The Wealth of Nations*. New York: The Modern Library.

- Trugman, J.M. (۲۰۱۴). Welcome to ۲۱st-century Ponzi scheme: Bitcoin. *New York Post*, ۱۵ February. Available at:  
<http://nypost.com/۲۰۱۴/۰۲/۱۵/welcome-to-۲۱st-century-ponzi-scheme-bitcoin/> (accessed ۶ November ۲۰۱۵).

- Werner, R. (۲۰۰۵). *New Paradigm in Macroeconomics: Solving the Riddle of Japanese Macroeconomic Performance*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

Wray, L.R. (۱۹۹۸). *Understanding Modern Money: The Key to Full Employment and Price Stability*. Cheltenham: Edward Elgar.

- Zizek, S. (۱۹۸۹). *The Sublime Object of Ideology*. London: Verso.

علی بهروزی این اثر را با نام «عینیت ایدئولوژی» به فارسی ترجمه کرده است (انتشارات طرح نو). برای قسمت‌های ارجاع داده شده می‌توانید به صفحات ۱۳۲، ۲۷۵ و ۲۱۱ مراجعه کنید اما فقط برای مورد صفحه ۲۷۵ از ترجمه بهروزی استفاده کرده‌ام و دو مورد دیگر ترجمه نگارنده است.

- Zizek, S. (۱۹۹۹). Human rights and its discontents. Lecture at Bard College, ۱۶ November.

- Zizek, S. (۲۰۰۶). *How to Read Lacan*. London: W.W. Norton & Co.

- Zizek, S. and Daly, G. (۲۰۰۴). *Conversations with Zizek*. Cambridge: Polity.

مجتبی گل‌محمدی این اثر را با نام «گشودن فضای فلسفه» به فارسی ترجمه کرده است (انتشارات گام نو). برای قسمت ارجاع داده شده می‌توانید به صفحه ۱۰۶ مراجعه کنید.